

Lesson 9: Have you met him before

متن مکالمه :

Oksana: Vicky, have you met Naomi before?

ویکی ... آیا قبلا نامی را دیده ای؟

Vicky: Of course! In fact, we're study partners!

البته، ما با هم مطالعه می کنیم

Naomi: That's right! So, Vicky, how did you do on your history test?

درسته! ویکی، آزمون تاریخ رو چطور گذراندی؟

Vicky: Well, if I had studied harder, I would have done better, that's for sure!

خب، آگه سخت تر مطالعه می کردم، آزمون را بهتر می گذراندم. مطمئنا!

Naomi: Yeah, it definitely was a tough test.

آره، واقعا آزمون سختی بود.

Vicky: Hey, do you both have some time now? Maybe we can go grab a cup of coffee?

آیا هردوی شما وقت دارید؟ شاید بتوانیم بریم و یک فنجان قهوه بگیریم.

Naomi: I'd love to, but I actually have to go to work now.

خیلی دلم می خواد، ولی من واقعا باید برم سر کار.

Vicky: Where do you work, Naomi?

کجا کار می کنی، نامی؟

Naomi: I work at the bookstore, you know the one on the corner of Fifth and San Carlos?

من در کتاب فروشی کار می کنم، همانی که در گوشه خیابان پنجم و سان کارلوس است.

Vicky: Oh, sure I do, I had worked there before they opened that ice cream store nearby... I switched jobs after that!

البته، می دانم. من قبل از آنکه نزدیک آن مغازه بستنی باز کنند، آنجا کار می کردم. من بعد از

آن شغلم را عوض کردم!

Oksana: Do you mean to the ice cream shop?

منظورت اینه که در مغازه بستنی فروشی کار کردی؟

Vicky: Of course! Where else? Now I can get all the free ice cream in any flavor I want! Actually, that's where I met Marco!

البته، کجا دیگه؟ حالا می تونم هر بستنی با هر طعمی که بخوام بگیرم! در واقع آنجا بود که

مارکو را دیدم

Naomi and Oksana: Marco?!!! مارکو؟